



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

مجموعه مقالات فارسی
"همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی دانشگاه کردستان"

چهارم و پنجم آبان ماه ۱۳۹۰

مجموعه مقالات

همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی

تهیه و تنظیم: دکتر حسن سرباز / دکتر هادی رضوان

ناشر: دبیرخانه همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی

ویراستاری و صفحه‌آرایی: دکتر عثمان یوسفی

طراح جلد: کریمی

چاپ اول: اسفند ۱۳۹۰

سندج، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان

و ادبیات عربی

برگزارکنندگان همایش:

دانشگاه کردستان

دانشگاه پیام نور استان کردستان

ترجمه‌ی جملات شرطی در بازتابی از آیات قرآن کریم

دکتر امیرحسین رسول‌نیا / استادیار دانشگاه کاشان /

مریم آقاجانی / کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب /

چکیده:

ساختار در زبان شناسی، اساسی‌ترین مبحث فرایند ترجمه است و ساختار صرفی - نحوی به عنوان ساختار دستوری در ترجمه آیات قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد؛ چراکه برای فهمیدن و فهماندن متن قرآن باید به ساخت های زبان عربی توجه نمود و در زبان مقصد نیز معادل های صحیح یافت. از این رو ساخت های صرفی - نحوی با ترجمه پیوند ناگسستنی دارند.

بی‌دقتی در معنای ادوات شرط، جابجایی جمله های پایه و پیرو، عدم دقت در نوع و تعداد جمله های پایه و پیرو، ناهماهنگی در ترجمه زمان فعل های جمله شرط و محذوف ها موجب می‌شود که نتوان از این جملات تعبیر و ترجمه درستی بدست آورد.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، ترجمه جملات شرطی زبان عربی است که این نوع جملات در قرآن کریم بسیار پرکاربرد هستند و توجه به ترجمه صحیح آیات مربوط بی‌تردید یکی از وظایف مهم مترجمان قرآن کریم است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ادوات شرط، فعل شرط، جواب شرط، ترجمه

مقدمه

جمله‌ی شرط، یکی از جملات مرکبی است که ادوات شرط در صدر آن قرار می‌گیرد و قسمت پیرو با مفهوم شرط همراه است و قسمت پایه جواب شرط نامیده می‌شود. بنابراین هر جمله شرط از سه رکن اساسی تشکیل می‌شود: ادوات شرط، فعل شرط و جواب شرط.

برای فهمیدن و فهماندن متن قرآن باید به ساخت‌های زبان عربی توجه نمود و در زبان مقصد نیز با دقت معادل‌های صحیح یافت. از این رو، ساخت‌های صرفی - نحوی با ترجمه پیوند ناگسستنی دارند.

هر کدام از ارکان جمله شرط معنای خاصی دارند که در ترجمه باید به این موضوع توجه کرد و این مطلب در قرآن کریم اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. ناهماهنگی در ترجمه زمان فعل‌های جمله شرط و محذوف‌ها موجب می‌شود که نتوان از این جملات تعبیر و ترجمه درستی بدست آورد.

از آن جا که معانی الفاظ و مقاصد کلام پوشیده در الفاظ است و اعراب نیز وسیله ای است که معانی را از دل پوشیده الفاظ بیرون می‌آورد، از این رو به ترجمه جملات شرطی اقدام نموده و در ابتدا به ترجمه ارکان شرط پرداخته و با بیان نکاتی در این مورد، تعدادی از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم مورد نقد قرار گرفته است.

۱- ترجمه‌ی ادوات شرط

ترجمه‌ی جملات شرطی به دلیل منطبق نبودن ادوات شرط فارسی با عربی، همواره مشکلاتی را برای مترجم پدید می‌آورد. این دشواری از آن جا ناشی می‌شود که اکثر ادوات شرط در جملات فارسی یک صورت دارند. و با وجود این که ادوات زبان فارسی، مشابه است تشخیص جمله شرط از غیر شرط احتیاج به هیچ قرینه‌ای ندارد.

به عنوان مثال چنانچه به جمله‌ی «اگر درس بخوانی، موفق می‌شوی» و «اگر درس می‌خواندی، موفق‌تری شدی» توجه شود، می‌بینیم که واژه‌ی «اگر» در هر دو جمله‌ی شرط یکسان است. در حالی که در زبان عربی این چنین نیست. یعنی «اگر» در جمله اول معادل «ان» و در جمله دوم معادل «لو» است: «اگر درس بخوانی، موفق می‌شوی»، معادل «ان تدرس» تنجح یا «ان درست نجت» یا «لو درست نجت» تنجح (تنجح) یا «ان تدرس نجت» است و «اگر درس می‌خواندی، موفق می‌شدی»، معادل «لو درست لنجت» است. (معروف، ۱۳۸۲ش، صص ۳۰۰ و ۳۰۱)

حروف ربطی که بر سر جملات شرط می‌آیند، یک قید محسوب می‌شوند. با این تفاوت که وقوع جمله پایه را منوط به وقوع جمله پیرو می‌کنند. در زبان فارسی ادوات یا حرفی مستقل تحت عنوان حروف شرط نداریم بلکه همان حروف ربط است که گاهی

در جملات مرکب با مفهوم شرط قرین شده است. اما برخلاف فارسی، در زبان عربی ادوات و اسم‌هایی به نام ادوات شرط وجود دارد.

اکنون معادل‌های ادوات شرط را در هر دو زبان معرفی می‌کنیم:
إن، إذما، لو، لولا، لوما، إذامعادل‌های «اگر» در زبان فارسی هستند.
نکته:

إذا زمانی که از معنای شرط خارج شده باشد اگرچه ظرف زمان مستقبل است، دیگر متضمن معنای شرط نیست. از این رو غالباً در ترجمه از «اگر» استفاده نمی‌شود، بلکه «هروقت» معادل بهتری برای آن است. (زرکوب، ۱۳۸۸ش، ص ۳۰۱) مانند:

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ. (شوری / ۳۹)
«هرگاه ظلمی به آنان هجوم آورد، از دیگران یاری می‌طلبند.» (صفوی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۸۷)

اینما، ائی، حیثما، معادل «هرجا و یا هرکجا» و متی، ائیان، کَلَمَا در معنای «هرگاه، هروقت» و کیفما معادل «هرطور» و ائی در معنای «هر» است.

مَنْ شرطی معادل «هرکه» و ما و مهما معادل «هرچه» در زبان فارسی هستند.
نکته:

«مَنْ» شرطی هم می‌تواند در ابتدای کلام و هم در اثنای کلام بعد از واو و فاء واقع شود. با توجه به نمونه‌های بررسی شده در قرآن کریم، «مَنْ» شرطی غالباً بعد از واو و فاء و... واقع شده و کمتر موردی است که در آغاز کلام قرار گیرد؛ که از حدود ۱۶۲ موضع، تنها حدود ۳۰ موضع در ابتدای کلام واقع شده است و بقیه بعد از واو، فاء و... آمده است.
در ابتدای کلام مانند:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا... (مائده / ۳۲)
بعد از فاء و واو مانند:

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. (زلزال / ۷ و ۸)
ترجمه «مَنْ» و «ما»

«مَنْ» و «ما» از ادوات مشترک شرط و موصول هستند و این موضوع که این ادوات برای شرط به کار رفته‌اند یا موصول بحث قابل توجهی است.

اگر مَنْ و ما بر سر فعل مضارع آورده شوند، برای این که تشخیص بدهیم آیا مَنْ و ما موصول هستند یا شرط، باید به فعل مضارع نگاه کنیم که در صورت شرط بودن، فعل مضارع به صورت مجزوم آورده می شود و در صورت صله بودن، حالت مجزوم ندارد. مانند:

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ... (أنعام / ۱۲۵)

در این آیه فعل بعد از «مَنْ» شرط و مجزوم است و «یشرح صدره» که جواب شرط است، نیز مجزوم شده است. از این رو، در ترجمه این آیه «مَنْ» را به صورت شرطی معنا می کنیم:

«پس خدا هر که را بخواهد هدایت کند، دلش را برای اسلام می گشاید.» (آیتی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۴)

و مانند: وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ... (یونس / ۴۳)

در این آیه «مَنْ» اسم موصول است و فعل بعد از آن در حالت مرفوع و صله موصول است. از این رو، ترجمه «مَنْ» به صورت اسم موصول خواهد بود.

«از مشرکان کسانی هستند که به تو می نگرند.» (صفوی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۱۴)

اما اگر فعل بعد از مَنْ و ما، ماضی باشد، در این صورت برای تشخیص نوع مَنْ و ما نمی توانیم به ظاهر فعل توجه کنیم.

برای حکم دادن در مورد مَنْ و ما در مثال هایی این چنین باید در پی قرینه ای در جمله قبل یا بعد باشیم تا بتوانیم بطور صحیح آن را ترجمه نمایم.

از این جا تفاوت زبان فارسی و عربی مشخص می شود؛ زیرا در زبان فارسی از فعل مضارع التزامی استفاده می شود و هیچگاه التباس و شبهه رخ نمی دهد. مثلاً در عبارت «من صدق نجا» اگر «من» موصول باشد، در فارسی اینگونه ترجمه می شود: «کسی که صداقت ورزید، نجات یافت.» که با یک جمله خبری روبرو هستیم. و در عین حال اگر «مَنْ» شرطی باشد در این صورت در ترجمه فارسی آن گفته می شود: «هر کس صادق باشد، نجات می یابد.» (نجفی اسداللهی، ۱۳۸۶ش، شماره ۷، صص ۹۴ و ۹۵)

در مورد آیاتی از قرآن کریم از بین شرط بودن و یا موصول بودن مَنْ و ما نحویان و حتی مفسران هر دو احتمال را صحیح دانسته اند.

به عنوان نمونه ابوالبقاء در مورد آیه ذیل چنین می گوید:

...مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ... (بقره / ۸۱)

«من» در این آیه دو وجه دارد:

۱- به معنی الذی

۲- به معنی شرط

در هر دو مورد «مَنْ» مبتدا است. و اگر «مَنْ» شرط باشد، جمله «فأولئك اصحاب النار» جواب شرط است و اگر «مَنْ» به معنی الذی باشد جمله «فأولئك اصحاب النار» خبر در نظر گرفته می‌شود. (العکبری، ۱۹۶۱م، ج ۱، ص ۶۲)

در مورد این آیه گروهی «مَنْ» را تنها اسم شرط می‌دانند. (صافی، ۱۹۸۶م، ج ۱، ص

۱۷۵؛ طنطاوی، ۲۰۰۸م، ص ۱۸)

و مانند:

...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ... (نساء / ۲۴)

این «ما» در نظر طنطاوی «ما»ی شرط است. (طنطاوی، ۲۰۰۸م، ص ۱۰۳) اما ابن هشام

اجازه داده که این «ما» موصول نیز باشد که در این صورت «فآتوهن» خبر «ما» است و عائد

محذوف است. (ابن هشام، ج ۱، ص ۵۸۱)

و مانند:

...فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ

شَاكِرٌ عَلِيمٌ. (بقره / ۱۵۸)

در این آیه علامه طبرسی معتقد است که «مَنْ» بر سر «حج» و «تطوع» محتمل دو امر

است:

۱- من موصول به معنای الذی

۲- من شرط برای جزاء (الطبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۳۹)

ابوالبقاء در مورد آیه:

...مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ... (بقره / ۲۱۵)

وجه اول «ما» را شرط به معنی الذی و وجه دوم آن را شرط می‌دانند. (العکبری،

۱۹۶۱م، ج ۱، صص ۹۱ و ۹۲)

در کنار این نظرات که دو وجه محتمل آورده شده و هر دو وجه را هم نحویان و هم مفسران صحیح دانسته‌اند، باید بگوئیم که معنای «مَنْ» و «مَا»ی موصول و شرط با هم متفاوت است و برای رسیدن به نظر واحد دو راه حل پیشنهاد می‌شود:

۱- اگر در آیاتی مانند (۲۱۵/ بقره) دقت کنیم، می‌بینیم که فایی که پس از «ما» قرار گرفته، فاء رابط شبه جزا است و اگر «ما» را در این حالت موصولی بدانیم که شبیه به شرط شده، قابل توجیه است.

۲- در مورد آیاتی که با این شیوه در قرآن کریم وجود دارند و مَنْ و مَاز نظر نحویان و مفسران با دو معنای موصول و شرط آورده شده است، باید این نکته را در نظر بگیریم که در قرآن کریم با یک متن روبرو هستیم نه یک عبارت. و گرچه به احترام مفسران بزرگ قرآن کریم حکم کلی صادر نکنیم و نگوئیم بطور حتم اسم موصول و یا اسم شرط است، اما با توجه به آیات قبل و بعد و قرینه‌های موجود می‌توانیم «وجه أحسن» را انتخاب نمائیم.

به عنوان مثال آیه ذیل را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

...وَمَنْ كَفَرَ فَأَمْتُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ... (بقره/ ۱۲۶)

در این آیه با توجه به نظر نحویان و مفسران هر دو وجه موصول و شرط پذیرفتنی است. اما با توجه به آیات قبل که حضرت ابراهیم (ع) با خداوند راز و نیاز می‌کند، از صحبت‌های خداوند با حضرت ابراهیم (ع) می‌توان فهمید که مردمی که در آیات قبل مطرح شده‌اند، مرجع خاصی را دنبال نمی‌کنند؛ بلکه هرکس که دارای صفاتی چون ستمکاران و کافران باشد، دچار عذاب الهی خواهد شد. بهتر است در مورد چنین آیاتی و با توجه به متن مستحکم و پیوسته قرآن کریم، به دنبال «وجه أحسن» باشیم. پس در این آیه با توجه به این نکته، مَنْ «بهتر است» که شرط واقع شود، گرچه موصول نیز اشتباه نخواهد بود.

۲- ترجمه فعل شرط و جواب شرط

از جمله مواردی که در زبان عربی، زمان فعل ماضی تبدیل به مستقبل می‌شود،

جمله‌های شرطی است. (حسن، ج ۴، ص ۴۲۴)

جملات شرطی ممکن، وقتی به حال و آینده مربوط می‌شوند، فعل شرط، مضارع

التزامی و فعل جمله جواب، آینده یا حال استمراری ترجمه می‌شود.

مانند: *إن تدرس تنجح* که این طور ترجمه می‌شود: اگر درس بخوانی، موفق می‌شوی / موفق خواهی شد و مانند:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا... (طه / ۱۲۴)

و هر که از یاد من روی برتابد، قطعاً زندگی تنگ و دشواری خواهد داشت. (صفوی،

۱۳۸۶ش، ص ۳۲۰)

و هر که از یاد من *إعراض* کند، زندگی تنگ می‌شود. (آیتی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۸۸)
اگر در جملات شرطی محال به گذشته اشاره شود، در ترجمه هر دو بند، گذشته
استمراری و یا در یکی گذشته کامل به کار می‌رود. مانند:

...وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمُ بَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ... (بقره / ۲۵۱)

اگر خدا بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین تباه می‌شد. (آیتی،

۱۳۷۴ش، ص ۲۱)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً... (هود / ۱۱۸)

اگر پرورگار تومی‌خواست، همه مردم را یک امت قرار داده بود. (صفوی،

۱۳۸۶ش، ص ۲۳۵)

صیغه افعال در جملات شرطی «لو درست لنجحت» و «إن درست نجحت»، تفاوتی با
یکدیگر ندارند. اما معنای آن‌ها با هم متفاوت است. بدون شک این ادوات نقش مهمی در
تغییر زمان جملات شرطی ایفا می‌کنند و به تبع آن، معنای افعال در جملات شرط نیز
متفاوت می‌شود. چرا که «لو» شرطی یکی از ادوات شرط غیرجازم است که بر دو فعل
ماضی وارد می‌شود و معنای محقق نشدن شرط را در زمان گذشته می‌رساند. مانند:

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ... (حشر / ۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم از خوف خدا آن را ترسیده و شکاف

خورده می‌دید. (آیتی، ۱۳۷۴ش، ص ۵۴۸)

از آن جا که قرآن بر کوه نازل نشده، پس جواب شرط یعنی متلاشی شدن کوه

منتفی است.

در حالی که *إن* شرطی این معنا را افاده نمی‌کند. بلکه *إن* معنای افعال جمله را به

آینده تبدیلی می‌کند. (همان) مانند:

...وَإِن تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلن يَضُرُّوكَ شَيْئًا... (مائده / ۴۲)

و اگر رویگردان شوی هیچ زبانی به تو نرسانند. (آیتی: ۱۲۷۴ ش، ص ۶۱)
 پس از إذا و ادوات شرط جازم، فعل ماضی در معنای مستقبل است. مانند:
 وَإِذَا أَدَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا... (روم / ۳۶)
 اگر به لطف خود رحمتی به مردم بچشانیم، شاد می‌شوند. (صفوی، ۱۳۸۶ ش، ص ۴۰۸)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (طه / ۱۰۰)
 هر که از آن روی گرداند، روز قیامت گناهی را بر دوش خواهد کشید (صفوی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۱۹)

درست است که إذا برای مستقبل به کار می‌رود اما اگر قبل از آن فعل ماضی استمراری آورده شود، فعل ماضی پس از آن به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. مانند:

و كان الشيوخ يتسمون في حنان و رضا إذا سمعوا أحاديث الشباب بذلك.
 وقتی پیرمردان سخنان جوانان را در این مورد می‌شنیدند با مهربانی و رضایت می‌خندیدند. (زرکوب، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۶۴)

پس از کَلَّمَا فعل یا در معنای ماضی است و یا در معنای مستقبل.
 در معنای ماضی مانند:

... كَلَّمَا جَاءَ أُمَّةٌ رَّسُولَهَا كَذَّبُوهُ... (مؤمنون / ۴۴)

هرگاه رسولی برای امتی آمد، او را تکذیب کردند. (صفوی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۴۷)
 در این آیه فعل ماضی پس از کَلَّمَا بر گذشته دلالت دارد. زیرا اخبار وارده گویای وقوع این مطلب در گذشته است.

اگر کَلَّمَا مسبوق به «كان» باشد، در همان معنای گذشته بکار می‌رود و دلالت بر گذشته دارد. مانند:

كان كلما شكاه احدٌ كثرة العيال و قلة ذات اليد يعينه على قدر استطاعته.

هرگاه کسی از عیالواری و تنگدستی‌اش نزد او گلایه می‌کرد، در حد توانش او را کمکمی نمود. (همان، صص ۱۵۵ و ۱۵۶)

در معنای آینده مانند:

... كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا... (أعراف / ۳۸)

هرگاه گروهی به آن جا (دوزخ) وارد شوند، هم مسلکان خود را لعنت کنند. (آیتی، ۱۳۷۴ش، ص ۸۴)

در این آیه فعل ماضی در معنای مستقبل است؛ زیرا هنوز روز قیامت فرا نرسیده است.

۳- فاء رابط جواب شرط

در برخی از جملات شرطی بر سر جواب شرط، فاء رابط جزا آورده می‌شود. مانند:

... وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ... (أنفال / ۱۹)

اما در زبان فارسی، چنین چیزی مصطلح نیست. مثلاً نمی‌گوئیم: اگر مرا اکرام کنی، پس تو را اکرام می‌کنم. از این رو در ترجمه فارسی اینگونه آیات، برای این که اسلوب زبان مقصد را رعایت کنیم، فاء را نباید ترجمه کنیم، که البته گروهی از مترجمان این فاء را ترجمه کرده‌اند. مانند آقای معزی که در ترجمه آیه فوق (۱۹/أنفال) چنین گفته‌اند:

«و اگر کوتاه آید، «پس» آن بهتر است برای شما.» (معزی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴۹)

و یا آقای مجتبوی که گفته‌اند: «اگر باز ایستید، «پس» آن شما را بهتر است.» (

مجتبوی، ۱۳۷۱ش، ص ۱۷۹)

با اینکه اکثر مترجمان امروز از ترجمه فاء در این موارد خودداری کرده‌اند، ولی در بعضی از آیات نیز این رویه را کنار نهاده‌اند و فاء را ترجمه کرده‌اند. نمونه آن ترجمه‌های ذیل از این آیه است:

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ... (توبه / ۱۲)

و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعنه

زدند، «پس» با پیشوایان کفر بجنگید. (فولادوند، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۸)

اگر قسم‌ها و سوگندهایشان را پس از عهد و پیمانشان شکستند و درباره دین و

آئینشان عیب و زشتی گفتند، «پس» با پیشوایان کفر بجنگید. (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۳۶۲)

در حالی که ترجمه صحیح این آیه، اینگونه است:

اگر پس از بستن پیمان، سوگند خود را شکستند و در دین شما طعنه زدند، با

پیشوایان کفر قتال کنید. (آیتی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۸۸)

۴- فاء بر سر شبه جزاء

در پاره‌ای از مواضع اسم‌های موصول در صورتی که مبتدا و مقدم بر خبر باشند و نیز علت و سببی برای خبر محسوب شوند، بر سر خبر آن‌ها فاء می‌آید که فاء شبه جزاء نامیده می‌شود و مانند فاء جزاء در ترجمه نباید ذکر شود.

وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ... (نساء/ ۱۵)

در صورتی که بعضی از مترجمان این فاء را نیز ترجمه کرده‌اند که صحیح نیست. «آنان که فحشایی آرند از زنان شما، «پس» گواه بگیرید بر آنان چهار تن از خود شما». (معزی، ۱۳۷۲ش، ص ۸۰)

۵- لام در جواب شرط لو و مشتقات لو

در جایی که لام بر جواب لو و مشتقات آن - لولا و لوما - وارد می‌شود، لام تأکید نیست و معنای قطعیت از آن بر نمی‌آید.

ابوعلی فارسی می‌گوید که لام در جواب لو و لولا زائده مؤکده است و دلیل او این است که اگر لام حذف شود نه در معنا و نه در لفظ خللی وارد نمی‌شود. (ابن جنی، ۲۰۰۷م، ج ۲، ص ۷۳) اما با توجه به آیات قرآن کریم این لام، تأکید نیست. چرا که لام تأکید می‌تواند بر سر ماضی منفی هم بیاید. اما در مواضع قرآنی که نمونه آن کم هم نیست، جواب لو همواره فعل ماضی - نه مضارع - آمده است و در بین این افعال ماضی این لام هیچ‌گاه بر سر ماضی منفی وارد نشده است.^{۶۷} بنابراین، این لام، لام ربط برای جواب لو است و مؤکده نیست. از این رو، در ترجمه آیاتی که این لام به کار رفته، باید توجه داشت که نباید آن را در معنای تأکیدی ترجمه کرد. و الفاظی مانند همانا، هرآینه، قطعاً و... ترجمه‌های مناسبی از این الگو نیستند. زیرا این لام در حقیقت مانند فاء جواب شرط، نقش ربطی و جوابی دارد و گاهی نیز به دلایل زبان شناختی حذف می‌شود. تعداد زیادی از مترجمان از چنین الفاظی در ترجمه لام استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال در ترجمه آیه ذیل، چنین گفته‌اند:

...فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (بقره/ ۶۴)

^{۶۷} نمونه آیات: بقره/ ۲۵۳، نساء/ ۶۳، یونس/ ۱۶، انبیاء/ ۹۹، سبأ/ ۱۴، ملک/ ۱۰

اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش «هر آینه» می‌شدید از زیانکاران. (معزی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۰)

در حالی که ترجمه صحیح این آیه، آن است که گفته شود:
اگر فضل و رحمت خدا نبود، از زیانکاران بودید. (آیتی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۰؛ فیض
الإسلام، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۴)

ترجمه‌ی محذوفات جملات شرطی

حذف در اصطلاح یعنی خودداری از ذکر کلمه یا جمله‌ای که با آن مفهوم کامل می‌شده است اما برای اهداف بلاغی و با وجود قرینه لفظی یا معنوی از ذکر آن خودداری شده است. (الزرکشی، ج ۳، ص ۱۱۵)

موضوع حذف در قرآن اهمّیت ویژه‌ای دارد. چون از یک سو جنبه بلاغی دارد و از سوی دیگر موجب اختلاف در ترجمه‌ها گردیده است. توجه به اهداف و مقاصد حذف در قرآن و یکسان نبودن ساختار زبان عربی با زبان فارسی از یک طرف و ارائه ترجمه مناسب برای رسیدن به فهم صحیح‌تر آیه از طرف دیگر، دغدغه‌های مترجمان را در این راستا دو چندان می‌سازد. در ادبیات هر زبان موضوع حذف و گزیده‌گویی امری واضح است. اما به لحاظ تفاوت ساختار زبان‌ها، جایگاه حذف و ذکر آن همیشه یکسان نیست و مهم‌تر این که مبحث حذف در کلام خداوند با ذکر یا حذف در ترجمه قرآن کریم که کلام بشر است، یکسان نخواهد بود.

در این صورت ذکر محذوف در ترجمه قرآن کریم خدشه‌ای وارد نمی‌سازد و گاهی نیز برای دست‌یابی به ترجمه صحیح، لازم است. و از طرفی ذکر غیرضروری محذوف در ترجمه، باعث حشومی‌شود و یا مخاطب را از رسیدن به فهم فراگیر که خود، هدف حذف بوده، باز می‌دارد. به عنوان مثال در مواردی که حذف به قرینه است، در ترجمه لازم نیست که محذوف گفته شود. مانند:

...قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. (بقره/ ۱۱۱)

در این آیه به خاطر وجود قرینه لفظی، جواب «إِنْ» یعنی «هاتوا برهانکم» حذف شده است و نیاز به ترجمه دوباره آن نیست و نمی‌گوئیم: بگو دلیلتان را بیاورید اگر راست می‌گوئید دلیلتان را بیاورید. همانطور که آوردن محذوف در این آیه باعث حشو می‌شود، آوردن ترجمه آن نیز باعث حشو کلام و اخلال معنای صحیح می‌شود.

یا در جایی که میان ادات شرط و اسم بعد از آن، فعل حذف شده و فعل مذکور آن را تفسیر می‌کند، ترجمه محذوف لازم نیست. مانند:

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ... (توبه / ۶)

به تقدیر این استجار أحد که آوردن این محذوف نیز باعث تباهی ترجمه می‌شود. پس این آیه را بدون ذکر محذوف اینگونه ترجمه می‌کنیم:

«اگر یکی از آن مشرکان از تو امان خواست، او را امان ده.» (صفوی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸۷)

گاهی جواب «لو» محذوف است که برای ترجمه صحیح، سیاق و متن ما را به شناخت محذوف راهنمایی می‌کند. مانند:

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ... (انعام / ۳۰)

که «لرأیت امرأ شنیعاً» حذف شده است. (الزمخشری، ۱۳۵۴ق، ج ۲، ص ۱۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰م، ج ۴، ص ۴۷۳) و ذکر آن برای فهم مطلب در ترجمه لازم است. پس آیه را این گونه ترجمه می‌کنیم:

«اگر آن‌ها را آن گاه که در پیشگاه پروردگارشان بازداشته می‌شوند، ببینی، (امری عظیم و دهشتناک را مشاهده می‌کنی. (صفوی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۱)

پس در بعضی از موارد دست یابی به ترجمه صحیح بدون ذکر محذوف امکان پذیر نیست. نمونه دیگر مانند:

...لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ. (سبا / ۳۱)

در این آیه وجود جسمی و فیزیکی «انتم» مقصود نیست بلکه منظور اغوای آن‌هاست که دلیل ایمان نیاوردن مطرح شده است. و اینگونه ترجمه می‌شود:

اگر شما نبودید (ما را گمراه نمی‌کردید)، ما ایمان می‌آوردیم. (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۸۵۲)

نتایج بحث:

۱. برای ترجمه‌ی صحیح ادوات شرط، باید معادل آن‌ها را در زبان مقصد بشناسیم.
۲. در جایی که مَنْ و ما را هم می‌توان به صورت اسم شرط و هم به صورت اسم موصول ترجمه کرد، بهتر است به دنبال «وجه احسن» باشیم.
۳. در زبان فارسی، برای فاء رابط جزاء، فاء رابط شبه جزاء و لام در جواب شرطِ لو و مشتقات آن، معادلی وجود ندارد، از این رو ترجمه کردن آن‌ها صحیح نیست.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. آیتی، عبدالمحمّد؛ ۱۳۷۴ ش. ترجمه آیات قرآن کریم. سروش: تهران. چاپ چهارم.
۳. ابن جنّی، ابوالفتح عثمان؛ ۲۰۰۷ م. سرّ صناعة الإعراب. تحقیق: محمّد حسن محمّد حسن إسماعیل، أحمد رشدی شحاته عامر. دارالکتب العلمیة: بیروت. ط ۲.
۴. ابن هشام الأنصاری، جمال الدین عبدالله بن یوسف؛ مغنی اللیب عن کتب الأعراب. مع حواشی: حسن حمّد. دارالکتب العلمیة: بیروت.
۵. ابن یوسف الأندلسی، ابوحنّان محمّد؛ ۱۴۲۰ م. البحرالمحیط فی التفسیر. دارالفکر: بیروت.
۶. حسن، عباس؛ النحو الوافی. دارالمعارف: مصر.
۷. الزرکشی، بدرالدین محمّد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن. تحقیق: محمّد ابوالفضل إبراهیم. دارالمعرفة: بیروت.
۸. زرکوب، منصوره؛ ۱۳۸۸ م. روش نوین فن ترجمه. مانی: اصفهان. چاپ اول.
۹. الزمخشری الخوارزمی، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر؛ ۱۳۵۴ ق. الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. مطبعة مصطفی محمّد: مصر. ط ۱.
۱۰. صافی، محمود؛ ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م. الجدول فی إعراب القرآن و صرفه. دارالرشید: دمشق. ط ۱.
۱۱. صفوی، محمّد رضا؛ ۱۳۸۶ ش. ترجمه قرآن کریم (بر اساس المیزان). دفتر نشر معارف: قم. چاپ سوم.

۱۲. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن؛ ۱۴۰۸ق. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. دارالمعرفة:

بیزوت.

۱۳. طنطاوی، محمد؛ ۲۰۰۸م. معجم إعراب القرآن الکریم. راجعه: محمد فهیم ابو عبیة.

مؤسسة الصادق: طهران. ط ۲.

۱۴. العکبری، ابوالبقاء عبدالله بن الحسین بن عبدالله؛ ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م. إملاء ما من به الرحمن

من وجوه الإعراب و القراءات فی جمیع القرآن. تحقیق و تصحیح: إبراهيم عطوة عوض. مطبعة

البابی الحلبي: مصر. ط ۱.

۱۵. فولادوند، محمد مهدی؛ ۱۴۱۵ق. ترجمه قرآن کریم. دارالقرآن الکریم: تهران. چاپ

اول.

۱۶. فیض الإسلام، علی نقی؛ ۱۳۷۸ش. ترجمه و تفسیر قرآن عظیم. فقیه: تهران. چاپ اول.

۱۷. مجتبی، جلال الدین، ۱۳۷۱ش. ترجمه قرآن کریم. حکمت: تهران. چاپ اول.

۱۸. معروف، یحیی؛ ۱۳۸۲ش. فن ترجمه. سمت: تهران. چاپ سوم.

۱۹. معزی، محمد کاظم؛ ۱۳۷۲ش. ترجمه قرآن کریم. اسوه: قم. چاپ اول.